



## تصفیه نژادی در فلسطین<sup>(۱)</sup>

مهدی کاظمیان<sup>۲</sup>

### الف) معرفی نویسنده

کتاب «تصفیه نژادی در فلسطین»، توسط ایلان پایه پژوهشگر پست صهیونیست نوشته شده است. پایه که متولد ۱۹۵۴ در اراضی اشغالی فلسطین است از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۷ در دانشگاه حیفا، تدریس می‌کرد. وی به دلیل تأکید بر لزوم قبول مسئولیت اسرائیلی‌ها در ارتباط با جنایات علیه فلسطینی‌ها، ناگزیر به استعفا از دانشگاه مذکور و ترک اسرائیل شده و هم اکنون در دانشگاه «اکستر» انگلیس، مشغول تدریس تاریخ است. پایه از جمله «مورخان جدید» است که گفت‌وگوهای صهیونیستی حاکم بر تاریخ‌نویسی منازعه فلسطین را رد می‌کند. مورخان جدید و جامعه‌شناسان منتقد، ۲ گروهی‌اند که نحله «پست صهیونیسم» را تشکیل می‌دهند. این نحله که از اواخر دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد، بنیانهای صهیونیسم را می‌پذیرد اما به روشهای اعمال شده توسط صهیونیست‌ها در سرزمینهای اشغالی انتقاداتی وارد می‌کند.

مورخان جدید، گزاره‌هایی چون «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» را رد کرده و به اقدامات صهیونیست‌ها در نسل‌کشی فلسطینی‌ها بویژه پس از اشغال فلسطین اشاره می‌کنند. جامعه‌شناسان

---

1- Ilan Pappé, the Ethnic Cleansing of Palestine, England, Oneworld Publications Limited, 2006.p.313.

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه صهیونیسم



منتقد نیز ایده «دولت دمکراتیک یهودی» را زیر سؤال برده و معتقدند این اصطلاح، در بر دارنده یک تناقض است زیرا وقتی یک دولت، یهودی است، بنابراین حقوق سایر گروهها را نادیده می‌گیرد و نمی‌تواند دمکراتیک باشد. یادآوری می‌شود که پست صهیونیست‌ها، افرادی‌اند که اصول بنیادین صهیونیسم را می‌پذیرند اما نسبت به روشها و تاکتیک‌ها انتقاد دارند. بنابراین، کتاب تصفیه‌نژادی فلسطین را باید با این مفروض مطالعه کرد.

### ب) مروری مختصر بر فصول کتاب

کتاب «تصفیه نژادی در فلسطین» در ۱۲ فصل تدوین و همراه ضmann آن، ۳۰۱ صفحه است. پایه در فصل اول کتاب (ادعای یک تصفیه‌نژادی) ضمن پرداختن به معنای در نظر گرفته شده برای مقوله تصفیه‌نژادی، امکان تطبیق آن بر فلسطینیان را بررسی می‌کند. وی با بهره‌برداری از رویدادهای مشابه، ضمن بهره‌برداری از تحولات حقوق بین‌الملل معاصر به ویژه در عرصه مخاصمات داخلی، از تصفیه نژادی به عنوان جنایت علیه بشریت نام می‌برد و سپس به واکاوی اهداف و ریشه‌های صهیونیسم پرداخته و هدف اصلی ایدئولوژی صهیونیسم را در راستای مستعمره کردن فلسطین یعنی «اسکان یهودیان در ارض اسرائیل و استقرار اعراب ارض اسرائیل در خارج از مرزهای کشور» توصیف می‌کند. پدیده‌ای که به جای عنوان «اخراج» تحت عنوان «انتقال»<sup>۱</sup> تعریف شده و مشابه رویدادهای تاریخی آمریکا، استرالیا و آفریقا ماهیت جنایتکارانه دارد. پایه همچنین در این فصل فرصت را غنیمت شمرده به تلاش برخی از تاریخدانان معاصر اسرائیل همچون گرشون شفر<sup>۲</sup> و باروخ کیمرلینگ<sup>۳</sup> در مورد برقراری ارتباط میان صهیونیسم و کلونیالیسم (استعمار) می‌پردازد. نویسنده در فصل دوم کتاب (تلاش برای تأسیس یک دولت کاملاً یهودی) بطور مختصر به انگیزه‌های شکل‌گیری ایدئولوژی صهیونیسم بعنوان بحثی کاملاً تاریخی پرداخته و پس از آن به چگونگی شکل‌گیری مناقشه و نهایتاً شروع درگیری‌ها و عملیات نظامی میان طرفین اشاره می‌کند. این روند در فصل سوم نیز ادامه می‌یابد و موضوعاتی همچون شکل‌گیری قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل و در نتیجه لزوم اجرای طرح تقسیم و مواضع و واکنش‌های اعراب، فلسطینیان و یهودیان در قبال قطعنامه را

1- Transfer

2- Gershon Shafir

3- Baruch Kimmerling

مورد توجه قرار می‌دهد: نکته شایان ذکر اینکه هر چند نویسنده در این ۲ فصل تلاش کرده با بهره‌گیری از اسناد تاریخی، بی‌طرفانه به موضوع نگاه کند و بر همین اساس در معرفی صهیونیست‌های جنایتکاری همچون بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به‌عنوان عامل اصلی گسترش خشونت علیه فلسطینیان تردید نمی‌کند، لیکن طرح مباحثی چون نقش انگلیس در متقاعد کردن رهبران اسرائیلی برای توسل به خشونت، در واقع ثابت می‌کند که نویسنده بطور کامل از پیش‌فرض‌های جانبدارانه به نفع صهیونیست‌ها فاصله نگرفته است. فصل‌های چهارم و پنجم کتاب که در آنها به موضوعاتی همچون «طرح‌ریزی برنامه اصلی» صهیونیست‌ها و افشای نام این برنامه با عنوان «برنامه دالت»<sup>۱</sup> پرداخته شده از جمله خواندنی‌ترین فصول کتاب است. پایه در این ۲ فصل کوشیده است. ضمن پرداختن به جزئیات شکل‌گیری برنامه دالت به عنوان اولین طرح برنامه‌ریزی شده در راستای تصفیه‌نژادی فلسطینیان، کلیه اقدامات جنایتکارانه صهیونیست‌ها علیه فلسطینیان پس از اعلام تأسیس اسرائیل را شرح دهد. بر همین اساس نیز به توضیح عملیات گروه‌های تروریستی همچون هاگانا، لهی، اشترن و پالمخ در اقصی نقاط سرزمین فلسطین پرداخته و چگونگی قتل‌عام و اخراج اجباری فلسطینیان را به تصویر می‌کشد. جسارت نویسنده در ذکر نام شهرها و روستاهای ویران شده فلسطینی و توصیف چگونگی نابودی آنها توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی صهیونیست‌ها، آن هم مبتنی بر اسناد بایگانی شده، در زمره ویژگی‌های منحصر به فرد کتاب محسوب می‌شود، هر چند نویسنده در این بخش نیز کوشیده با اشارات تلویحی به نقش انگلیس بخشی از مسئولیت کشتار فلسطینیان را بر عهده انگلیسی‌ها قرار دهد. پایه همچنین پس از پرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری برنامه تصفیه‌نژادی دالت در فصل پنجم کتاب خود صرفاً روی جزئیات این برنامه متمرکز شده و با مروری بر خاطرات رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل همچون بن‌گوریون، «بن‌آری»<sup>۲</sup> و گلدامایر، مراحل مختلف این طرح در اقصی نقاط سرزمین فلسطین همچون بیت‌المقدس، حيفا، صفد، یافا، سیرین و... را به ترتیب تقدم و تأخر زمانی توضیح می‌دهد. جالب اینکه نویسنده به عنوان یک اسرائیلی تصریح می‌کند که اجرای این طرح زمینه سازماندهی وسیع و مشترک سازمان‌های شبه‌نظامی صهیونیستی را فراهم کرد و در مراحل اجرای اولیه برنامه دالت، طرح تأسیس ارتشی واحد با عنوان نیروی دفاعی اسرائیل

---

1- Dalet Program

2- Ben Ari

(IDF) ریخته شد. وی همچنین در این فصل با پرداختن به واکنش فلسطینیان در قبال حملات تروریستی صهیونیست‌ها به آنان در چارچوب طرح دالت و در نتیجه اخراج دسته‌جمعی آنها اعتراف می‌کند که غیر از روستای کوچک جلیله،<sup>۱</sup> ساکنان بومی دیگر نقاط، آمادگی هیچ‌گونه دفاعی را نداشتند. پایه در فصل ششم، هفتم و هشتم کتاب خود به ترتیب به تحولات ماه‌های می ۱۹۴۸، ژوئن و سپتامبر ۱۹۴۸ و اکتبر ۱۹۴۸ تا ژانویه ۱۹۴۹ پرداخته و چگونگی قتل‌عام فلسطینیان در برخی از مناطق همچون جلیله، تنتورا،<sup>۲</sup> ناصره،<sup>۳</sup> و... را بررسی می‌کند. از نگاه نویسنده، در ژانویه ۱۹۴۹ آخرین مرحله تصفیه‌نژادی فلسطینیان به پایان رسید و در تمام مراحل این برنامه، بروز جرائم جنگی محرز و قطعی است. نویسنده در فصل نهم کتاب با در نظر گرفتن موضوع اعلام تأسیس اسرائیل توسط صهیونیست‌ها به طرح مباحث جدیدی همچون تقبیح اشغال و اشغالگری سرزمین فلسطینیان توسط اسرائیل، چگونگی استمرار توهین و تجاوز به فلسطینیان و حتی ایجاد گتو جدید علیه فلسطینیان پرداخته است. به این ترتیب می‌توان گفت در فصول نهم تا دوازدهم نویسنده همچنان با بهره‌گیری از روشهای انتقادی کوشیده است از بخشی از حقوق از دست رفته فلسطینیان دفاع کند، با این تفاوت که در فصل دهم به نقش صندوق ملی یهود<sup>۴</sup> در مستعمره کردن فلسطین اشاره شده و چگونگی مداخلات آن در محو کامل آثار تمدنی فلسطینیان (اعم از خانه، روستا و شهر) تشریح می‌شود و در فصل یازدهم به چگونگی حمایت آمریکا از اسرائیل در تمام مراحل روند به اصطلاح صلح پرداخته و استمرار این جانبداری به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم پیشرفت صلح معرفی شده است. نویسنده در آخرین فصل کتاب، ناگزیر به طرح واقعیت‌هایی بسیار تلخ در مورد رژیم صهیونیستی است. نامبرده ضمن نامگذاری این فصل با عنوان «دژ اسرائیل»<sup>۵</sup> در ابتدا با ذکر یک نمونه، به بازشناسی مشکل جمعیت‌شناختی اسرائیل پرداخته و به عدم امکان فاصله گرفتن از تبعیض علیه اقلیت اعراب اسرائیلی و ارائه حقوق برابر به آنها همسان با یهودیان اعتراف می‌کند؛ واقعیتی که ادعای معرفی اسرائیلی بعنوان تنها دمکراسی خاورمیانه را زیر سؤال می‌برد. وی پس از آن ضمن اذعان به عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و عقب‌نشینی از غزه در سال ۲۰۰۵، با بکارگیری

- 1- Galilee
- 2- Tantara
- 3- Nazareth
- 4- Jewish National Fund
- 5- Fortress Israel

اصطلاح «دژ اسرائیل» و معرفی ۳ عامل نگهدارنده آن یعنی توانایی‌های هسته‌ای، حمایت مطلق آمریکا از اسرائیل و داشتن ارتشی مقتدر به طرح این بحث می‌پردازد که پس از گذشت چند دهه از تأسیس رژیم صهیونیستی نه تنها محدوده سرزمینی این دژ مشخص نیست بلکه با در نظر گرفتن جمعیت آوارگان فلسطینی و فرض تحقق ایده بازگشت آنها به فلسطین و در نتیجه شکل‌گیری یک رقابت جمعیتی، این رژیم نمی‌تواند ایده حاکمیت اکثریت یهودی بر فلسطین را مطرح کند. به همین دلیل نیز اسرائیل در هیچ زمانی ایده بازگشت آوارگان را نمی‌پذیرد.

### ج) نقد و ارزیابی کتاب

#### ۱- نقاط قوت

پایه در اثر ۱۲ فصلی خود اطلاعات مناسبی در مورد رویدادهای تاریخی فلسطین ارائه کرده است. در فصل اول کتاب همان‌گونه که خود او اشاره کرد، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه برنامه‌های موسوم به برنامه دالت در راستای کوچ اجباری فلسطینیان از مناطق شهری و روستایی خود تنظیم شده و مهمتر اینکه به این نکته اذعان می‌کند که چنین برنامه‌ای نتیجه اجتناب‌ناپذیر تمایلات ایدئولوژیک صهیونیست‌ها برای حضور فراگیر یهودیان در فلسطین است. وی همچنین تا آنجا پیش می‌رود که بدین نکته اذعان می‌کند که در نتیجه اجرای برنامه دالت بیش از نیمی از جمعیت بومی فلسطینیان که بنا بر ادعای نویسنده نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر می‌شوند، آواره و از سرزمینهای فلسطین اخراج شدند. همچنین ۵۳۱ روستای فلسطینی و ۱۱ منطقه شهری به طور کامل تخلیه و تخریب شدند. به همین دلیل نیز نویسنده در نهایت به این نکته اشاره می‌کند که برنامه دالت که در ۱۰ مارس ۱۹۴۸ تصویب و در مدت چند ماه اجرا شد، بدون تردید یک عملیات تصفیه نژادی بوده که براساس قوانین بین‌الملل جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. پایه در بیان اهمیت موضوع تصفیه نژادی فلسطینیان تا آنجا پیش می‌رود که در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌کند که «هر چند پس از هولوکاست به نظر می‌رسید مخفی کردن هرگونه جنایت علیه بشریت در چنین سطحی غیرممکن باشد اما متأسفانه تاکنون ابعاد چنین جنایتی یعنی سلب مالکیت فلسطینیان توسط اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از چشم جهانیان مخفی مانده و نتیجه آنکه چنین رویدادی نه تنها به عنوان یک جنایت مورد تأیید قرار نگرفته بلکه اساساً به عنوان واقعیت تاریخی نیز مورد شناسایی قرار نگرفته است». بدیهی است اعتقاد نویسنده به اسطوره هولوکاست بدون مدنظر قرار دادن انتقادات و تجدیدنظرهای صورت گرفته در این

اسطوره توسط منتقدین، جای تأمل دارد لیکن مقایسه موضوع تصفیه‌نژادی فلسطینیان با هولوکاست بیانگر اعتقاد نویسنده نسبت به میزان اهمیت این جنایت است.

پایه همچنین - صرف‌نظر از دقت در آمار ارائه شده پیرامون جمعیت فلسطینیان در سال تأسیس اسرائیل - در این اثر اعتراف کرده که نیمی از جمعیت بومی فلسطینیان به زور از سرزمین خود اخراج شده‌اند. بنابراین، تصفیه‌نژادی فلسطینیان به عنوان رویدادی که در ذهن و وجدان اسرائیلی‌ها ریشه دارد باید جرمی علیه بشریت تعریف شود. جالب اینکه نویسنده نه تنها در خلال صفحات کتاب به افشای ماهیت جنایتکارانه صهیونیست‌هایی همچون موشه دایان، بن‌گوریون، گلدامیر و... پرداخته بلکه از معرفی آنان به عنوان قهرمانان یهودی به شدت انتقاد می‌کند. پایه در سطور اولیه کتاب پیرامون هدف خود از تدوین این اثر آورده است: «جنگ ۱۹۴۸ که از نظر اسرائیل، به عنوان «جنگ‌استقلال» شناخته می‌شود، برای فلسطینیان تا ابد، «نکبه»<sup>۱</sup> به معنی مصیبت خواهد بود، به دنبال تأسیس دولت اسرائیل متعاقب پایان جنگ، زمینه برای یکی از بزرگترین مهاجرت‌های اجباری در تاریخ مدرن فراهم شد. حدود یک میلیون نفر به زور اسلحه از خانه‌های خود اخراج، گروهی از ساکنان قتل‌عام و صدها روستای فلسطینی تخریب شدند. اگرچه واقعات‌های مربوط به اخراج‌های دسته‌جمعی در این بهه زمانی همواره تحریف شده لیکن عمق فاجعه تا آنجا است که می‌توان از آن به عنوان «تصفیه‌نژادی» یاد کرد.»

دقت در این عبارات از یک سو و تعهد نسبی نویسنده به بازخوانی مجدد تاریخ در فصل به فصل کتاب و در نتیجه تلاش حداقلی برای دفاع و به تعبیر بهتر طرح دیدگاه‌های فلسطینیان از سوی دیگر، جملگی از نقاط قوت این اثر محسوب می‌شوند.

## ۲) نقاط ضعف

هر چند به نظر می‌رسد پایه تلاش کرده است به عنوان یک نویسنده بی‌طرف به طرح واقعات‌های تاریخی فلسطین بپردازد لیکن تأثیر پیش فرض‌ها و انگاره‌های صهیونیستی نامبرده در جای جای کتاب کاملاً محسوس است. برای نمونه در فصل اول کتاب که به مبانی نظری بحث پرداخته شده، پایه از میان تعاریف مطرح شده برای توصیف «تصفیه‌نژادی» تعریفی را انتخاب می‌کند که در آن سکونت یهودیان و

فلسطینیان همسان فرض شده است؛ «تصفیه نژادی، اخراج از طریق توسل به زور به منظور همسان کردن قومی مردم یک سرزمین است که در آن اقوام دیگری نیز حضور دارند.» در صورتی که نامبرده در این اثر ادعان دارد که تا قبل از اشغال فلسطین توسط انگلیس در سال ۱۹۱۸ صهیونیسم تنها یک ایدئولوژی ملی‌گرا و ایده استعماری است و یهودیان فقط ۵ درصد جمعیت اراضی فلسطین را تشکیل می‌دادند.

پایه همچنین به عنوان یک شهروند اسرائیلی تلاش می‌کند تا آنجا که می‌تواند شریک جرمی نیز برای اقدامات جنایتکارانه صهیونیست‌ها معرفی کند. بر همین اساس نیز در بازخوانی ریشه‌های مناقشه تصریح می‌کند: «زمانی که لرد بالفور وزیر امور خارجه وقت انگلیس در سال ۱۹۱۷ به جنبش صهیونیستی وعده داد یک وطن ملی برای یهودیان در فلسطین تأسیس کند، در واقع وی زمینه ساز مناقشه‌ای بی‌پایان شد که نتیجه آن تا اواخر دهه ۱۹۲۰ کشته شدن صدها فلسطینی و یهودی بود.»

جالب اینکه نویسنده همچنین در تلاش برای نسبت دادن شروع عملیات تصفیه نژادی فلسطینیان به انگلیسی‌ها آورده است: «در واقع این کارلوس وینگیت<sup>۱</sup> افسر ارشد انگلیس بود که رهبران صهیونیست را متقاعد کرد ایده تأسیس دولت یهودی بدون دست زدن به عملیات نظامی و استفاده از یک ارتش برای صیانت از یهودیان در فلسطین امکان‌پذیر نیست.»

پایه همچنین در این اثر در بازشناسی دلایل شکل‌گیری صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی افراطی و در واقع، آغاز تلاش برای تأسیس یک دولت کاملاً یهودی که نتیجه آن همچنان که خود وی نیز معترف است، تصفیه نژادی فلسطینیان است، دیدگاه شفاف‌تری ندارد.

برای نمونه، در حالی که در فصل اول کتاب خود از صهیونیسم به عنوان یک ایده استعماری و کلونبالیستی یاد می‌کند که هدف آن کلونیزه کردن فلسطین یعنی «اسکان یهودیان در ارض اسرائیل و استقرار اعراب در خارج مرزهای کشور» تحت پوشش انتقال است و بنابراین مانند کلونیزه کردن تاریخی آمریکا، استرالیا و حتی آفریقا جنایت محسوب می‌شود. در فصل دوم کتاب، «شکل‌گیری ایدئولوژی صهیونیسم» را «یک واکنش طبیعی به فشارهای وارد بر یهودیان اروپا در دهه ۱۸۸۰» معرفی می‌کند که با هدف «انتخاب آنان میان همسان‌سازی<sup>۲</sup> یا قبول خطر نقیب و مجازات» شکل گرفت.

این سطح از تردیدها در تشخیص واقعیت‌های تاریخی توسط نویسنده آنجا مؤثر است که علی‌رغم ادعای نویسنده در زمینه دفاع از دیدگاه‌های فلسطینیان، نامبرده در پاره‌ای از مواقع انگشت اتهام را به سوی آنها نشانه رفته است. برای نمونه، پایه در بررسی عوامل شکل‌گیری برنامه موسوم به دالت برای کوچ اجباری فلسطینیان از طریق توسل به زور مدعی است، «منازعه با شبه نظامیان فلسطینی زمینه مناسب و بهانه لازم را برای تحقق تمایلات ایدئولوژیک تصفیه‌نژادی فراهم کرد. سیاست صهیونیست‌ها از فوریه ۱۹۴۷ براساس تلافی حملات فلسطینیان بود لیکن متأثر از تشدید این رویدادها و در واقع استمرار عملیات فلسطینیان، از مارس ۱۹۴۸ به سمت تصفیه‌نژادی سوق یافت.»

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، در مجموع می‌توان کتاب پایه را در زمره یکی از بهترین کتب تاریخی تدوین شده درباره منازعه فلسطین توسط اسرائیلی‌ها معرفی کرد. هر چند بدیهی است تمایلات و پیش‌فرض‌های صهیونیستی در این کتاب مشهود و محسوس است لیکن اعتراف به جنایت برخی از رهبران اسرائیلی، قبول مسئولیت آواره کردن فلسطینیان و اعتراف به اجرای یک برنامه از قبل تدوین شده در راستای تصفیه‌نژادی و مستند کردن این موضوعات، بیانگر اهمیت و ارزش این کتاب است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 1- Transfer
- 2- Assimilation